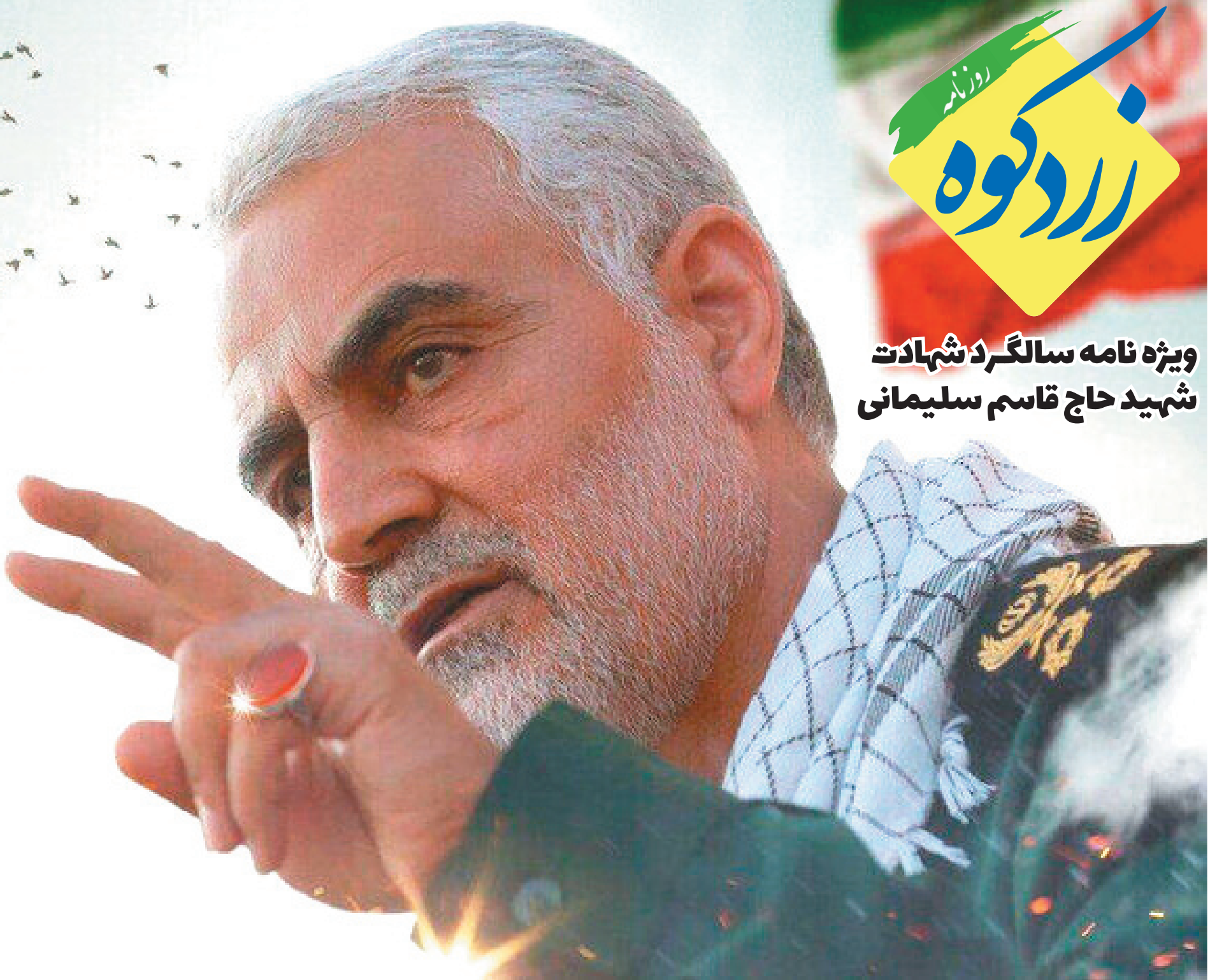




ویژه نامه سالگرد شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی



خدایا! از کاروان دوستانم جامانده ام خداوند، ای عزیز! من سالها است از کاروانی به جا مانده ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه میکنم، اما خود جا مانده ام، اما تو خود میدانی هرگز نتوانستم آنها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن است کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم من از بیقراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابانها گذارده ام؛ من به امید از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان میروم. کریم، حبیب، به کرم دل بسته ام، تو خود میدانی دوستت دارم. خوب میدانی جز تو را نمیخواهم. مرا به خودت متصل کن.

خدایا وحشت همه ی وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به حرمت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آنها را خدشه دار میکند، مرا به قافلها ای که به سویت آمدند، متصل کن.

معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمیتوانم از تو جدا بمانم. بس است، بس، مرا بپذیر، اما آنچنان که شایسته تو باشم.

- ۱- وصیت نامه الهی سیاسی شهید سپید قاسم سلیمانی
- ۲- سردار سلیمانی طلای ۲۴ عیار
- ۳- درسی از مکتب حاج قاسم
- ۴- برای سردار دلها شهید قاسم سلیمانی که نامش لشکری بود
- ۵- «مکتب سلیمانی» از «قاسم سلیمانی» ماندگارتر است
- ۶- مکتب سلیمانی، مکتب تعلیم و تربیت مردان و زنان بزرگ و انقلابی است

کدخدایی:

کیفرخواست پرونده ترور حاج قاسم به مراحل نهایی نزدیک شده است

رئیس کمیته ویژه پیگیری حقوقی و بین المللی پرونده ترور و شهادت سردار سلیمانی با بیان اینکه کیفرخواست پرونده ترور حاج قاسم به مراحل نهایی نزدیک شده، گفت: اقداماتی با کمک قوه قضاییه عراق و مقامات رسمی این کشور برای پرونده ترور حاج قاسم انجام شده که به زودی گزارشات آن اعلام خواهد شد.

عباسعلی کدخدایی عضو شورای نگهبان و رئیس کمیته ویژه پیگیری حقوقی و بین المللی پرونده ترور و شهادت سردار سلیمانی در میزگرد تخصصی مبارزه با تروریسم و افراطیگری در منطقه غرب آسیا گفت: آمریکا خودش را به غلط، به عنوان مبارزه با تروریستهای داعش معرفی می کرد اما همگی در منطقه شاهد بودند که اگر آمریکا در منطقه نبود، داعش نمی توانست خود را منطقه معرفی کند و دستاوردی داشته باشد.

وی تأکید کرد: راهبرد جمهوری اسلامی، مقابله با داعش بود و به گفته مقام معظم رهبری، جمهوری اسلامی به عنوان خط مقدم مقابله با داعش قرار گرفت و براساس اسناد بین

المللی و وظایف انسانی، با داعش به مقابله پرداخت. کدخدایی ادامه داد: آمریکا با جنایت ترور حاج قاسم علاوه بر نقض تعهدات بین المللی خود، به تعهدات منشور بین المللی سازمان ملل متعهد عمل نکرد.

وی تصریح کرد: این ترور یک تخلف بین المللی بود و هیچ کدام از توجیحات آمریکایی ها مورد تأیید نیست. عضو شورای نگهبان ادامه داد: ترور حاج قاسم به عنوان یک تخلف بزرگ در اسناد بین المللی ثبت شده است.

کدخدایی با بیان اینکه کیفرخواست پرونده ترور حاج قاسم به مراحل نهایی نزدیک شده است، گفت: وزارت امور خارجه پیگیری های خوبی را برای پیگیری حقوقی پرونده ترور حاج قاسم سلیمانی انجام داده است. در بعد کیفری نیز کیفرخواست به مراحل نهایی نزدیک شده است.

وی اظهار داشت: مقامات آمریکایی براساس این کنوانسیون، مکلف به رعایت جایگاه بین المللی حاج قاسم سلیمانی بودند اما اقدام به ترور ناجوانمردانه او کردند. عضو شورای نگهبان یادآور شد: اقداماتی با کمک قوه

قضاییه کشور عراق و مقامات رسمی این کشور برای پرونده ترور حاج قاسم انجام شده است که به زودی گزارشات آن اعلام خواهد شد.

وی با بیان اینکه جامعه بین المللی گرفتار خوبی زیاده طلبی رژیم آمریکا شده است، گفت: اگر چراغ سبز آمریکا نبود گروه داعش نه به وجود می آمد و نه می توانست به جنایت هایش ادامه دهد.

مشاور وزیر امور خارجه با اشاره به راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با گروه های تروریستی مثل داعش، عنوان کرد: با سیاستهایی که مقام معظم رهبری اتخاذ کردند جمهوری اسلامی ایران در خط مقدم مقاومت قرار گرفت. در خط اول مقابله با این گروه های تروریستی و هم به عنوان راهبرد اساسی ایران و هم به عنوان تعهد بین المللی و هم امر اخلاقی، جمهوری اسلامی ایران خود را موظف می دانست در این جهت گام بردارد و فرمانده این مقاومت و مبارزه کسی نبود، جز سردار شهید حاج قاسم سلیمانی. کدخدایی افزود: وقتی پایان داعش با مجاهدات های

فراوان حاج قاسم و دوستان آن اعلام شد رژیم آمریکا متوجه شد که یک ابزار موثری را در منطقه از دست داده است. داعش مخلوق آمریکا که آمده بود منطقه غرب آسیا را به هم بریزد، دست آمریکا خالی شد و دیگر بهانه ای نداشت و آن زمان شاهد بودیم که مرتکب این جنایت عظیم در ۱۳ دی سه سال گذشته شد که امروز در آستانه آن هستیم.

وی گفت: آمریکا با این جنایتی که مرتکب شد هم تعهدات بین المللی خودش را نقض کرد و هم به تعهداتی که براساس منشور ملل متحد متعهد به انجام آنها بود، پایبند نبود. عدم مداخله در امور داخلی کشورها و رعایت موازین حقوق بشری و رعایت و احترام به حاکمیت و استقلال کشورها از جمله تعهداتی است که در اسناد بین المللی وجود دارد و آمریکا همه این ها را نقض کرد و این موضوع در گزارش گزارشگر ویژه به خوبی تبیین شد که جنایت آمریکا در ترور شهید سلیمانی و همراهانش یک تخلف بین المللی بود و آمریکا نقض تعهد داشت.

رئیس کمیته ویژه پیگیری حقوقی و بین المللی پرونده ترور و شهادت شهید سلیمانی با بیان اینکه هیچ یک از توجیحات آمریکا در این اقدام تأیید نشد، خاطر نشان کرد: آمریکایی ها با اقدام جنایتکارانه

خود یک تخلف بزرگ بین المللی را مرتکب شدند. وی با ذکر این نکته که بعد از ارتکاب این جنایت اقدامات خوبی از سوی ایران در بعد حقوقی و بین المللی انجام شده که همچنان در حال استمرار است، افزود: وزارت خارجه پیگیری های خوبی انجام داده است. در قوه قضاییه و در بعد داخلی پیگیری های خوبی انجام شده است. در حوزه حقوقی پرونده مراحل نهایی را طی می کند. قوه قضاییه و قضات مصر هستند که پرونده با دقت مورد بررسی قرار گیرد و کیفرخواست هم به مراحل نهایی نزدیک شده و امیدواریم به نتایج خوبی برسد.

وی ادامه داد: اقداماتی از سوی وزارت خارجه در مناجم بین المللی در حال انجام است و مبنای ما کنوانسیون ۱۹۷۳ است. حرمت شهید سلیمانی به عنوان عالی ترین مقام نظامی ما و مهمان عراق لازم رعایت شده است. ایشان دارای مصونیت بوده و مقامات آمریکا مکلف به رعایت جایگاه ایشان بودند و متأسفانه این جنایت را انجام دادند. کدخدایی گفت: این جنایت نابخشودنی است و مقامات

آمریکایی که مرتکب این جنایت شدند باید محاکمه شده و به سزای اعمال خود برسند. اقداماتی از سوی دولت عراق در حال انجام است که امیدواریم کمک خوبی برای پیگیری پرونده شهید حاج قاسم سلیمانی باشد. / فارس

نوبت اول



صنایع سیمان شهرکرد
تلفن: ۰۹۱۳۳۸۳۸۸۷۸
شماره ثبت: ۱۹۱۲۴

آگهی مناقصه

انتخاب پیمانکار ساخت و نصب تجهیزات فلزی پروژه نوار نقاله شارژ کج

صنایع سیمان شهرکرد (شرکت سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت ساخت و نصب تجهیزات فلزی پروژه نوار نقاله شارژ کج کارخانه خود اقدام نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت می گردد از تاریخ درج آگهی بمدت سه روز جهت دریافت اسناد مناقصه و بازدید از محل پروژه به واحد تدارکات این شرکت واقع در کیلومتر ۳۵ جاده شهرکرد به بروجن مراجعه و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۹۱۳۳۸۳۸۸۷۸ تماس حاصل نمایند.

صنایع سیمان شهرکرد (شرکت سهامی خاص)

نوبت اول



صنایع سیمان شهرکرد
تلفن: ۰۹۱۳۳۸۳۸۸۷۸
شماره ثبت: ۱۹۱۲۴

آگهی مناقصه

انتخاب پیمانکار اجرای سازه بتنی پروژه نوار نقاله شارژ کج

صنایع سیمان شهرکرد (شرکت سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت اجرای سازه بتنی پروژه نوار نقاله شارژ کج کارخانه خود اقدام نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت می گردد از تاریخ درج آگهی بمدت سه روز جهت دریافت اسناد مناقصه و بازدید از محل پروژه به واحد تدارکات این شرکت واقع در کیلومتر ۳۵ جاده شهرکرد به بروجن مراجعه و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۹۱۳۳۸۳۸۸۷۸ تماس حاصل نمایند.

صنایع سیمان شهرکرد (شرکت سهامی خاص)

سرمقاله

سردار سلیمانی طلای ۲۴ عیار

دکتر سید ابوالفتح شیرمردی



سردار سلیمانی اسطوره قرن خود را قاسم می نامید و سرباز!

اما مدال سردار دلها توسط امت خداجوی جهان و امام امت رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای روحی له الفداء به وی داده شد و مجموعه حق طلبان جهان به عملکرد ایشان نمره بیست دادند و ایشان را شخصیتی بی نظیر دانستند.سردار سلیمانی هم حیات گهربارش سراسر طیبه و پرنفع بود برای جهانیان و کشور عزیزمان ایران و هم شهادت حسین گونه و ابوالفضل گونه اش!

دشمن خیبت اگر ده یا بیست سال زودتر چنین جنایتی رو مرتکب میشد شاید میتوانست با شهادت ایشان ضربه ای مهلک به ایران و محور مقاومت وارد کند لیکن زمانی تصمیم به چنین اقدام قبیحانه ای کرد که سردار سلیمانی و حاج قاسم ما در غرب آسیا و جهان ریشه ای عمیق زده بود و کانونهای مقاومت را در کشورهای محور مقاومت مثل عراق،افغانستان،سوریه،ترکیه نهادینه کرده بود و دم مسیحایی خود را که چیزیی جز اخلاص و تقوا نبود در آنها دمیده بود و آن نیروهای مقاوم کالجبل الرامح در مقابل وحشیهای مدرن و غیر مدرن دنیا ایستاده بودند. و دیگر همه بسیجیان شیعه خود را یک سردار سلیمانی می نامیدند. سردار سلیمانی در منطقه شهره عام و خاص شده بود با اینحال که ایشان از رسانه ای شدن و خود را در معرض دید عموم قرار دادن ایا دانشتند.ایشان مهرش نه تنها در دل ایرانیها و مسلمان منطقه بلکه در دل محرومین و مستضعین جهان افتاده و ترسش در دل کافران و منافقان و جایتکاران عالم افتاده بود.

همه چیز دیگر آماده شده بود تا روح ملکوتی این شهید جاوید به ملکوت اعلی بپیوندد.ادعاهای خودش برای پیوستن به دوستان شهیدش!دیگر طاقتش طاق شده بود و بس و از طرفی شکست فاحش سرمداران کفر و عربهای به ظاهر مسلمان و باطنه یهود و شکست فتنه بزرگ واعش و گرگهای وحشی جهان باعث به اوج رساندن خیالت آنان شد تا اقدامی کنند بشدت ناخوامردانه،نامتعارف و غیر موثر که تا ابد روی خودشان را سیاه کردند و حاج قاسم ما رو شهید کردند.

حال سنوالی که پیش می آید اینست که با اینکه اینها میدانستند زدن حاج قاسم و یاران با وفایش خط قرمز نظام جمهوری اسلامیست چنین اقدامی کردن؟ که همه چیز به ضررشان شد؟چون حاج قاسم شهادتش هم انقلابی و وفادار ایران علیرغم نگرانیها در تشییع جنازه کرد و تا حق و باطل هست این خون می جوشد.چرا دشمنان این کار را در این مقطع زمانی انجام دادند؟

دلایل شهادت شهید سلیمانی در ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ توسط آمریکای جانیکنار:

۱.اشتباه استراتژیک و اشتباه محاسباتی آمریکا و سردمداران کفر الف- آنها با توجه به ناراضی تراشی عمدی و جریان سازی دولت قیبل و رئیس جمهور وقت فکر کردن ملت ایران دستت از حمایت از نظام و کشورشان برداشته اند و دیگر از نظام حمایت نمی کنند که دیدیم ملت بزرگ و وفادار ایران علیرغم نگرانیها در تشییع جنازه ۲۵ میلیونی در سراسر کشور متوجه عمق اشتباه خود شد!

ب- ملت بین خیانت دولت تاکارآمد و لیبرال بت پرست(غرب گرا) و کلیت نظام تکفیک قائل بودند و اعلام کردند کل ما سلیمانی هستیم. ج-سقوط اطلاعیه ای که از منافقین داخلی (اصلاح طلبان ضد قانون اساسی) و منافقان خارجی گرفته بودند فکر کردن با زدن سردار سلیمانی در ایران و باشهادت ابو مهدی المهندس کار ایران و عراق تمام میشود و کار بکسر است!!!

د-اکر بینوا ۱۰ درصد فکر میکردند که نظام بعد از این قضیه ماندنیست هیچوقت همچو خطب و غلطی رو نمیکردند چون شهادت سردار سلیمانی در شرایط کنونی بیشتر از حیات مقدسش بنفع جهان اسلام و محور مقاومت تمام شد.

۲.هدف دادن اعلام جنگ تمام عیار با ایران بود و اگر ایران جواب قاطع این ادعای نهمیداد و اینهمه قیام و خروش مردمی نبود شاید این موضوع عملی میشد.

۳.آمریکا با این طرح میخواست به ششروهای عالم و سردمداران جهنمی عرب خلیج فارس و سعودی که در کومای شکست داعش بودند روحیه ای بدهد و آنها را راضی نگه دارد.

۴.و در پایان میخواست انتقامی از شهیدی بگیرد که یک تنه با تعدادی سربدار ایرانی بزرگترین توطئه قرن را خنتی کرده بود را بگیرد و....

چرا شهید سلیمانی طلای ۲۴ عیاره؟

۱.شهید سلیمانی محک حق و باطل و محک ظالم و مظلوم بود.
۲.شهید سلیمانی محک نفاق و ایمان و وطن پرستی و بیگانه پرستی بود
۳.شهید سلیمانی محک ولایت پذیری راستین و ولایت پذیری دروغین در بین نیروهای داخلی بود.
جالب استت که بدلیل شخصیت فرابنجای و وسیع شهید سلیمانی خیلیها در ابتدای شهادت ایشان شهید را متعلق به خودشان میدانستند از جمله اصلاحطلبان خارج از داتره نظام ولی در جایی که شهید سلیمانی بوسیله آن ایستاد شد ایناعتقادی به ولایتمداری و اخلاص در عمل نداشتند و ندارند...زیرا اخلاص و ولایتمداری محض شهید سلیمانی در راس سلسای صفاتش ایشان را جاودانه تاریخ کرد این دو بعدی که مدعیان حامی ایشان در آن می لنگند!

۴.شهید سلیمانی محک و عیار انقلابی گری واقعی و دروغین بودند
۵.شهید سلیمانی محک و عیار خوبها و بدیها،ارزشها و ضد ارزشها بودند.

۶.شهید سلیمانی همان نفس زکیه ای بودن که در آخرالزمان وعده آن داده شد و طلای ۲۴ عیار و شاخص شناخت و ارزیابی هر فرد مسلمان متعهد و پایبند به ارزشهاست.

خون شهید سلیمانی و یاران با وفایش جان تازه ای به ملت ایران داد نظام ما را تا انقلاب مهدی عیج بیه کرد و اکنون این مسئولین و مردم ما هستند که پایبندی خودشان با اسلام و انقلاب را جهت تداوم و خشودنی راه شهدا و شهید اسوره شهید سلیمانی به اثب برسانند! آری شهید سلیمانی هم اسطوره قرن،هم شهید ناظر و هم محک و شاخص ما و هم خود گوهر گرانبها و طلای تمام عیارند و باید شخصیت والای آن و بنابر پیر مراد ما حضرت امام خامنه ای وصیت و سیره اش سرمشق همه ما شود.

او جاوید است امید است ما هم با تقواو اخلاص جاوید شویم،هرکس سلیمانی را دوست دارد باید وفادار به نظام سرازپانشناخته شب و روز خدمت به بهترین مردم جهان نماید و پایبند به قانون اساسی که عصاره خون شهیداست باشد و بنابه توصیه شهید سلیمانی پیرو بی چون و چرای ولایت باشد غیر ازاین باشد دروغ و حيله و بسازی در میدان دشمنان است.

اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا

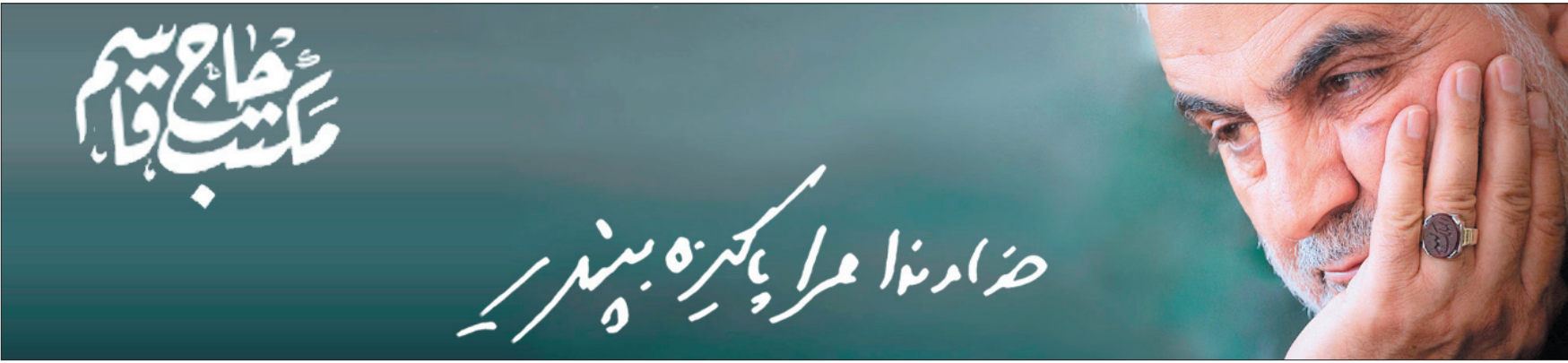
ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

موجیم که آسودگی ما عدم ماست!

خبر

میثاق نامه مکتب حاج قاسم

وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید سپهد قاسم سلیمانی



بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت می‌دهم به اصول دین شهید آن لاله الا الله و اشهد أنّ محمداً رسول الله و اشهد أنّ امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابیطالب و اولاده المعصومین اثنیعشر ائمتنا و معصومینا حجج الله.

شهادت می‌دهم که قیامت حق است. قرآن حق است. بهشت و جهنّم حق است. سؤال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوّت حق است.

• **خدایا! تو را سپاس می‌گویم بخاطر نعمت‌هایت**

خداوند! تو را سپاس که مرا صلب بـه صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی‌بن‌ابیطالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آن‌ها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوند! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحتیش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز – که جانم فدای جان او باد – قرار دادی.

پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را – یعنی میاهدین و شهدای این راه – به من ارزانی داشتی.

خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر استنانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانها در مدّمش تشییع – عطر حقیقی اسلام – قرار دادی و مرا از اشک و فرزندان علی‌بن‌ابیطالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌هایت است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بیقراری که در درون خود بالاترین قراهارا را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد.

خداوند! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدّین و عاشق اهل‌بیت و پیوسته در مسیر پاک‌ی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشتت و با اولیائت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محرومان بهره‌مند فرما.

• **خدایا! به غفو تو امید دارم**

ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به امید ضیافت غفو و کرم تو می‌آیم، من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کرمی چه حاجتی است به توشه تو؟

سزاق، چّازم‌چر بر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل‌بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در جنگ ظالم.

خداوند! تو را در ستسان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در ستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تو است. وقتی آن‌ها را به سمت بلند کردیم، وقتی آن‌ها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروت دستم من است که امید دارم کرده باشی. خداوند! پاهایم سست است. رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنّم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو زناکت است و از شمشیر برنده‌تر؛ اما یک امیدمی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم. من با این پاها در خرّمَت یا گذاردم و دور خاندان چرخیدم و در حرم اولیائت در بین‌الرحمین حسین و عباست آن‌ها را برهنه دواندم و این پاها را در سنگ‌های طولانی، خنیده جمع کردم و در دفاع از دینت دودیم، چیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن چهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به خرّمَت آن حریم‌ها، آن‌ها را ببخشی.

خداوند! سسر من، عقل من، لب من، شامّه من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارح‌م در همین امید به سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا پذیر؛ پاکیزه پذیر؛ آنچنان پذیر که شایسته دیندارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!

• **خدایا! از کاروان دوستانم جاماندم**

خداوند، ای عزیز من سال‌ها است از کاروانی به جا ماندم‌ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا ماندم، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آن‌ها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درد ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم؛ من از بیقراری و رسوایی جاماندگی، سر به بیابان گذاردم‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کرمی، حبیبی، به کرمّت دل بستم، تو خود می‌دانی دوستم دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن.

خدایا وحشت همه‌ی وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به خرّمَت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به سوی آمدند، متصل کن.

معبود من، عشق من و معشوق من، دوستم دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آنچنان که شایسته تو باشم.

• **خطاب به برادران و خواهران مجاهدم...**

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند غاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشییع است.

E-mail : zardkoohbakhtiyari@yahoo.com

E-mail : zardkooh1@yahoo.com

میثاق نامه مکتب حاج قاسم

وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید سپهد قاسم سلیمانی



همان معنویت، صلابت و خصوصیت.

خواهش می‌کنم مرا حلال کنید و غفو نمایید. من نتوانستم حق لازم را پیرامون خیلی از شماها و حتی فرزندان شهیدتان اداء کنم، هم استغفار می‌کنم و هم طلب غفو دارم.

دوست پاک جنازه‌ام را فرزندان شهیدا بر دوش گیرند، شاید به برکت اصابت دستان پاک آن‌ها بر جسد، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد.

• **خطاب به سیاسیون کشور...**

نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آنهایی [که] اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش میکنیم، بلکه فدا میکنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به‌نحویی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزاها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم بشابند، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:۱- اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنویند، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی میخواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تنوری و نه می‌گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاصّ عالم مردم اعم از مسلم و غیر مسلمان است،

اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.۲- اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قیال ملت و چه در قیال اسلام.۳- به‌کارگیری افراد پاکتست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره‌ی خانه‌ای سابق را تداعی می‌کنند.۴- مقابله با فساد و دوری از فساد و تجلّلات از شیوه خود قرار دهند.۵- در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام هم مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجهبات واهی، ارزش‌ها را بایست به مسئولیت خود پیروان تربیت

مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیروان تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌المالّی و به خاطر احساسات و جلب برخی از آراء احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشاند. حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شده، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.

• **خطاب به برادران سپاهی و ارتشی...**

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارتشی‌های سپاهی دارم: ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی‌کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جای نیست، بلکه اساس بقای نیروهای مسلح است. این شرط خالی‌ناپذیر می‌باشد.

نکته دیگر، شناخت به‌موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع؛ هریک از این‌ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.

• **خطاب به علما و مراجع معظم**

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علمای عظیم‌الشأن و مراجع گرانقدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی‌ها هستند، خصوصاً مراجع عظام تقلید. سربازتان از یک برج دیدهبانی، دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هر گونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولّی فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیندازند. همه‌ی شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولّی فقیه است. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خُسانا سعی داشتند و دارند که مراجع و علما مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سواکت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است: جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی (ره) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدلی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات‌معظم با بیانان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیر قابل برگشت خواهد بود.

دست مبارکتان را می‌بوسم و عذرخواهی می‌کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرف‌یابی‌های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد. سربازتان و دست بوستان از همه طلب غفو دارم از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و غفو دارم. از رزمندگان لشکر ثارالله و نیروی باعظمت قدس که خار چشم دشمن و سدّ راه او است، طلب بخشش و غفو دارم؛ خصوصاً از کسانی که برادرانه به من کمک کردند.

نمی‌توانم از حسین پورجعفری نام نبرم که خیرخواهانه و برادرانه مرا مثل فرزندی کمک می‌کرد و مثل برادرانم دوستش داشتم. از خانواده ایشان و همه برادران رزمنده و مجاهدم که به زحمت انداختمشان عذرخواهی می‌کنم. البته همه برادران نیروی قدس به من محبّت برادرانه داشته و کمک کردند و دوست عزیزم سردار قانّی که با صبر و متانت مرا تحمل کردند.

چگونه ترور قاسم سلیمانی به منافع آمریکا در عراق لطمه زد؟

آمریکا و عراق همچنان عواقب گسترده تصمیم بی پروای ترامپ برای ترور قاسم سلیمانی را احساس می کنند



در ژانویه سال ۲۰۲۰، چند روز پس از ترور ژنرال "قاسم سلیمانی" فرمانده سابق سپاه قدس ایران و متعاقباً پاسخ ایران به این اقدام دولت آمریکا که با شلیک ده ها موشک به پایگاه "عین الاسد" و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ نظامی آمریکایی همراه بود، "مایک پمپئو" وزیر خارجه وقت آمریکا به ایراد یک سخنرانی با عنوان "احیای بازدارندگی: نمونه ایرانی" پرداخت. پمپئو در جریان این سخنرانی خود ادعا کرد که ترور ژنرال سلیمانی، بار دیگر بازدارندگی آمریکایی در برابر ایران را متوازن ساخته است.

با این حال، با افزایش انجام حملات علیه نیروهای آمریکایی مستقر در عراق، اینطور مشخص شد که اساساً ادعاهای پمپئو اعتباری نداشته و نباید به آن ها توجهی کرد. اکنون بسیاری فهمیده اند که سواستفاده ترامپ از قدرت اجرایی خود و صدور فرمان ترور ژنرال سلیمانی موجب شد تا آمریکا در ادامه راه با بحران های گسترده ای رو به رو شود که تبعات آن حتی در شرایط کنونی نیز آمریکا را شدیداً دچار مشکل کرده و می کند.

با توجه به افزایش تصاعدي انجام حملات علیه نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و منطقه پس از ترور ژنرال سلیمانی، این ادعای مایک پمپئو که این موضوع (ترور سلیمانی) بار دیگر معادله بازدارندگی در روابط ایران و آمریکا را متعادل کرد و مانع از انجام حملات بیشتر علیه نیروها و منافع آمریکا شد، سست بودن خود را کاملاً نشان داد.

ایران نه تنها به ترور ژنرال سلیمانی از طریق حمله موشکی گسترده پاسخ داد بلکه عملاً راهبرد اساسی خود را بر پایه اخراج کامل نیروهای آمریکایی از منطقه تعریف کرد. جدای از این ها، ترور ژنرال سلیمانی تا حد زیادی بر شدت اختلافات داخلی در عراق نیز افزود. این در حالی است که در دوران حیات ژنرال قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، این دو نفر از قابلیت های قابل توجهی در مدیریت و مهارت گروه های شبه نظامی عراق برخوردار بودند و می توانستند مانع از وقوع اتفاقات چالشی در این کشور شوند. این در حالی است که پس از ترور این دو فرمانده، برخی گروه های عراقی به صورت خودسرانه دست به

اقداماتی در عراق زدند که هم ثبات عراق را به خطر انداخت و هم امنیت نیروهای آمریکایی را به شدت خدشه دار کرد. باید پذیرفت که ترور ژنرال سلیمانی ابومهدی المهندس، بیش از آنکه به تقویت منافع آمریکا در منطقه و جهان ختم شود، عملاً آمریکا را در موقعیت به مراتب خطرناک تری در مقایسه با زمان حیات این دو فرمانده وارد کرده است. در شرایط کنونی، آمریکا بخش قابل توجهی از توان خود را معطوف به حراست از پایگاه های نظامی اش در خاک عراق و همچنین حفاظت از جان نظامیان خود می کند. جدای از این ها، اوج گیری تنش های امنیتی در داخل عراق نیز در سطحی کلان، منافع آمریکا را عمیقاً به خطر انداخته است.

جدای از این ها، ترور ژنرال سلیمانی تا حد زیادی موجب شد تا ایران در پیگیری توانمندیهای هسته ای خود نیز مَصْر تر شود. ایران پس از ترور ژنرال سلیمانی، از محدودیت های توافق برجام خارج شد (در پاسخ به خروج آمریکا از برجام) و در نخستین سالگرد ترور ژنرال سلیمانی، برنامه های خود جهت افزایش غنی سازی اورانیوم و انجام پیشرفت های بیشتر هسته ای را نیز اعلام کرد.

در شرایط کنونی که تقریباً دو سال از ترور ژنرال سلیمانی می گذرد نیز، مذاکرات هسته ای وین به نحوی ضعیف دنبال می شود و دولت بایدن با چالش یک ایران قدرتمند هسته ای رو به رو است و گزینه های گسترده ای هم در قبال

آن ندارد. پیامدهای ناگوار ترور ژنرال سلیمانی برای آمریکا و منافع این کشور در منطقه و جهان، به خوبی نشان دهنده محدودیت هایی است که نیروی نظامی جهت مقابله با تهدیدات نامتقارن از آن ها برخوردار است. آمریکا با ترور ژنرال سلیمانی، به جای اینکه فضای امنی را برای خود ایجاد کند، عملاً ایران را تحریک به قدرت گیری بیشتر کرد و میزان نامنی پیرامون خود را نیز به نحو قابل توجهی افزایش داد.

«چگونه ترور قاسم سلیمانی به منافع آمریکا در عراق لطمه زد؟ آمریکا و عراق همچنان عواقب گسترده تصمیم بی پروای ترامپ برای ترور قاسم سلیمانی را احساس می کنند.»

ژنرال سلیمانی و ابومهدی المهندس، از کاربما و کنترل قابل توجهی بر گروه های شبه نظامی در عراق برخوردار بودند و همین مساله می توانست فضایی قابل پیش بینی را در عراق و متعاقباً برای نیروهای آمریکایی ایجاد کند. اکنون آن ها (آمریکایی ها) با طیفی از گروه های شبه نظامی رو به رو هستند که برخی از آن ها به صورت مستقل کار می کنند و با تمام توان، دولت عراق و نیروهای آمریکایی را هدف حملات خود قرار می دهند.

در این راستا، "کیت مکنزی" فرمانده نیروهای مستحکم به تازگی اعلام کرده که انتظار دارد حملات

میدان جنگ با تروریسم در عراق و سوریه خود بر بلندای میدان نبرد قرار می گرفت در میان آتش و خمپاره، آنگاه نیروها را به میدان نبرد دعوت و هدایت می کرد. به عبارتی دیگر در مرام سلیمانی جان می دهند برای جان بخشیدن به دیگران و خود را فدا می کنند برای زندگی بخشیدن به دیگران. این مرام است که موجب می شود تا ارکان جبهه مقاومت از تیپ فاطمیون و زینبیون گرفته تا حشدالشعبی عراق و حزب الله لبنان، ارتش سوریه، مقاومت فلسطین و یمن و... مانند دانه های یک تسبیح در کنار هم گام به گام سردار قرار گیرند و افتخارشان در کنار حاج قاسم بودن باشد.

آری آنچه امروز نیاز کشور برای رفع مشکلات است، الگو گیری از مرام سردار دلهاست و آن کلید واژه در میدان بودن است. ملت ایران نشان داده است که همواره در صحنه حضور دارد و با حضور مسئولان در میدان با

کارها می توان مشاهده کرد. کلید واژه ای که سردار دلها هنگام امداد رسانی به مناطق سیل زده و زلزله زده و یا حمایت از محرومان و حتی در نبرد با دشمن و تروریسم به کار می برند و آن واژه « بیابید به جای » برود است. آنچه در میان بسیاری از سیاستمداران، مدیران و حتی نظامی های ارشد در جهان مشاهده می شود آن است که کلید واژه آنها برود است یعنی اینکه خود در عقب میدان می ایستند و از دیگران می خواهند که به میدان روند و مشکلات را حل کنند حال آنکه مرام سردار مغایر با این تفکر بود.

در دیدگاه سلیمانی که خود را همواره یک سرباز می دانست نه یک فرمانده، ابتدا باید خود در میان حاضر می شد و بعد از دیگران می خواست که به همراه وی راهی میدان شوند. سردار در میان سبیل زدگان حاضر می شد و دیگران را به امداد رسانی هدایت می کرد در

درسی از مکتب حاج قاسم

و عاملان این جنایت بزرگ علیه بشریت همچنان از خواسته ها و مطالبات به حق جهانیان است که عدم همراهی سازمان های بین المللی در تحقق این مهم ابهامات بسیاری را در صداقت رفتاری این نهادها و ادعاهای حقوق بشری آنها به همراه داشته است.

در کنار آنچه ذکر شد این سوال همچنان مطرح است که دیدگاه حاج قاسم چه ویژگی هایی داشته است که به یک مکتب جهانی مبدل شده است و مسلمان و غیر مسلمان امروز بر پیروی و ادامه راه وی تاکید می کنند؟ نگاهی به کارنامه و سیره شهید سلیمانی بیانگر نکات و درسهای بسیاری است که در تشریح آنها می توان کتابها و مقالات بسیار به نگارش در آورد اما شاید یکی از مهمترین ویژگی ها را در دیدگاه وی در انجام

شعر

برای سردار دلها شهید قاسم سلیمانی که نامش لشکری بود

سید عبدالله حسینی

بریز امشب مرا ساقی، شربابی تلخ در ساغر. که میخوامم گشایم لب به ذکر یک گل پر پر بذر آن سلیمانی که حاکم بود بر دلها بذر سبز سربازی که دل میبرد از رهبر بذر آرمی از جنس سرداران ایرانی بنام نامی قاسم که نامش بود یک لشکر کمانگیری که بُرد موشک او میکند تعیین کدآمین نقطه باشد مرز های خاکی کشور گذشته مرز ایران در جنوب از قدس تا صنعا و در غرب جهان رفته *کاراکاس آنسوتر بذر رستم کرمان که رانده رخس تا کابل بذر نادر دوران که نادر بود و نام آور کجایی ای فردوسی که در صد سال بنویسی بنام رستم ایران تو آن شهنامه را از سر کجایند آن قلمداران که بنویسند با حیرت برای شهر زاد ما هزار و یکشب دیگر بخوان شعر تری حافظ یگو شاه شجاعان را که سر تا پای حافظ را نمیگرد چرا در زر چه کردی تو که دشمن را به کرنش کرده ای وادار که پترانوس بردار به تعظیمت کلاه از سر که بودی تو که دش را زمینگیر زمان کردی نشاندی کاخ رویای خلافت را به خاکستر که بودی آی سر لشکر که بستی بند بوتین را آوردی بلوک شرق را یکباره زیر پر به دشمن از رگ گردن چو تو نزدیکتر بودی گزند انگشت از حیرت تمام دشمنان یکسر عقاب گرگ شیطان را بریدی بال با غیرت همای غرب را از ترس تیرت ریخت ترک و پر بریدند از حسین انگشت اما از تو دست را هدف در دستهای یک سلیمان چیست، انگشت. خدا پوی و خدا جوی و خدا خوی و خدا مشرب خدا خواه و خدا راه و خدا ترس و خدا باور سلیمانی که بود از دل رسول الله را حمزه شهید کر بلا را، علی را مالک اشتر ولی این قصه را پایان، افول نجوم داد است به شهنامه را ایدوست باید خواند تا آخر.

درسی برای همه بخصوص دوستان عزیز باز نشسته

کسانی که از تاریخ غربت نگیرند مجبورند فاجعه ای را در مجددا تحمل کنند. ما در دفاع مقدس جنگیدیم و ۲۲۰ هزار شهید دادیم در برابر تجاوز دشمن به وطن و ناموسمان این همه شهید و مجروح و جانباز و مفقود دادیم ولی مردم بوسنی که سلاح را زمین گذاشتند ۳۰۰ هزار کشته دادند و سرزمین شان لگدمال و ناموس شان هتک حیثیت شد. این اتفاقات تلخ نباید فراموش شود.

یادی از جنگ صربهای اروپایی برای فریفتگان فرهنگ غرب وحشی خونخوار

۲۰ سال از جنگ و نسل کشی صربها علیه مسلمانان بوسنی در قتلب اروپا گذشت.

جنگی که در آن ۳۰۰ هزار مسلمان شهید و ۶۰ هزار زن و دختر بچه را به زور ربودند، و نیم میلیون نفر ناچار به مهاجرت شدند! آیا بیاد میاوریم؟ یا فراموش کرده ایم؟! یا چیزی درباره آن نمیدانیم؟! گزارشگر شبکه CNN یاد می کند از کشتار مسلمانان بوسنی و از خیرنگار مشهور (کریستینا امانپور که مسیحی شده) می پرسد:

آیا تاریخ بار دیگر تکرار میشود؟ امانپور تحلیلی بر واقعه بوسنی ارائه می کند: جنگی قرون وسطایی بود. قتل، محاصره، و گرسنگی مسلمانان؛ و اروپا دخالت برای پایان جنگ را رد کرد و گفت: این یک جنگ داخلی است!! و این بهانه مسخرهای بود!

هولوکاست مسلمانان نزدیک به ۴ سال در این سرزمین ادامه یافت. صربها بیش از ۸۰۰ مسجد را منهدم کردند که بنای بعضی به قرن ۱۶ میلادی می رسید. کتابخانه تاریخی سارایوو را به آتش کشیدند. سازمان ملل بعد از مدتی دخالت کرد و نیروهای خود را در دروازه های شهرهای مسلمان نشین مستقر کرد. اما این شهرها در

قاسم غفوری

این روزها مصادف است با سالگرد شهادت مردی که مکتبی را بنیان گذاشت که نه تنها برای دوران خویش که برای امروز و برای آیندگان نیز درسها و ثمره های بسیاری داشته و خواهد داشت.

آری این روزها نه تنها مکتب ما از تعدادی از ملت های جهان در دومین سالگرد شهادت سردار سپهد قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس معاون حشدالشعبی و همزمانشان که در تروریسم دولتی آمریکا در فرودگاه و در ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ به درجه رفیع شهادت نائل آمدند، ضمن تجدید پیمان با آن شهدای والا مقام فریاد ادامه راهشان را سر می دهند. البته محاکمه و مجازان عامران

محاصره و آتش می سوخت و نیروهای سازمان ملل کاری نمی کردند! صربها هزاران مسلمان را در اردوگاهها زندانی کردند که به علت گرسنگی و شکنجه مانند اسکلت شده بودند! وقتی از فرمانده صربها پرسیده شد: چرا؟

جواب داد: چون آنها حاضر نبودند گوشت خوک بخورند! فقط همین در آن زمان روزنامه گاردین نقشه اسارتگاه زنان که ۱۷ اردوگاه بود را منتشر کرد.

گاردین عکس دختر بچه اسیری را که خون از پاهایش سرازیر بود چاپ کرد و نوشت جرم این دختر این است که مسلمان است؟

رهبر صربها از رهبر مسلمانان منطقه زیبا جهت مذاکره دعوت کرد، و به او سیگار تعارف کرد و خندید و سپس دستور قتلش را داد، و سپس شنیع ترین کارها را با مردم این منطقه کردند. اما بدترین جنایات در منطقه سربره نیتسا انجام شد در حالیکه این شهر در محاصره نیروهای سازمان ملل بود، این نیروها همراه صربها به عیش و نوش می پرداختند و بعضی از آنها از زنان مسلمان میخواستند در برابر لقمه های نان شرفش را بدهند!!!

صربها منطقه سربره نیتسا را دو سال محاصره کردند و یک لحظه بمباران متوقف نمی شد. صربها حتی کمکهای خیرخواهانه غذا و دارو را هم می زد دیدند.

سپس غربیها تصمیم گرفتند که منطقه را به گرگهای هلندی که قرار بود حمایت کنند مردم باشند، تحویل دهند، ولی هلندی ها بجای حمایت از مردم، با صربها دست به یکی کردند. به مسلمانان فشار آوردند که اسلحه خود را زمین بگذارند و امان نامه بگیرند. نتیجهی تسلیم آنها، تصرف شهر سربره نیتسا در آن زمان یکروزنامه انگلیسی در مورد

خدا ایات توست دستایم وقتی است که سلاح برای دفاع از دینت به دست گرفتیم

نژری دو چندان برای مقابله با مشکلات گام بر می دارند. ملت ایران با بدرقه میلیونی سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی نشان داد که مرد میدان است و قدرشناس آتانی است که جان دادند برای جان بخشیدن به دیگران و در میدان بودند پیش از آنکه دیگران به میدان برسند.

گرفته اند بدون اینکه جراحی در بدن خود احساس کنند اما ادراک و شناخت وی مورد حمله قرار گرفته است. این نوع جنگ شکل تکامل یافته تر و البته اثر گذارتر جنگ نرم بوده که متکی بر زیر ساخت رسانه های نوین سایبری است که با ایجاد یک پارادایم ذهنی، به شناخت و ادراک افراد، مطابق خواست خود جهت می دهند، بدون اینکه شخص متوجه این تغییر رفتار باشد و یا حتی به این فرآیند، شک کند.

پس یادمان باشد که همه ما بدهکار شهیدا هستیم و حداقل کاری که باید انجام بدهیم این است که هرکس درحد توانش تلاش کند و این متن را به دیگران ارسال کند و در زندگی راه پرافتخار شهیدا را ادامه دهد.

ورود کشور به پنجمین مرحله جنگ

پس از چهار مرحله جنگ، کشور وارد پنجمین مرحله جنگ با نظام سلطه گردیده است.

جنگ سرد، سخت، نیمه سخت و جنگ نرم مرحله ای بود که کشور به انحاء مختلف با آن مواجه گردید و حال ایران اسلامی وارد پنجمین مرحله جنگ یعنی جنگ شناختی یا جنگ ادراکی شده است.

اما جنگ شناختی چیست؟

آیا کسانی را می شناسید که نسبت به مقدسات، تعصب داشته و مدافع آنها بوده اند اما امروز به جرگه توهین کنندگان به مقدسات وارد شده باشند؟

آیا تا به حال با افرادی مواجه شده اید که تا چندی قبل به اعتقادات خود به شدت پایبند بوده اند و امروز اعتقادات خود را خرافات تلقی می کنند؟

آیا با کسانی دم خور بوده اید که به رهبری جامعه خود عشق می ورزیدند اما حال با دید بدبینانه از ولایت و رهبری یاد کنند؟

جای تعجبی وجود ندارد. این افراد مورد اصابت گلوله دشمن در جنگ شناختی قرار

همه می دانیم که این همه جنایت برای رسیدن به کشور ما بود که از همه ملت ما به جرم مسلمان بودن انتقام گرفتند. یک لحظه تصور کنید این نقشه شوم انجام می شد چه اتفاقی می افتاد ...

تکرار جنایات اسپانیا و صربستان و سوریه و عراق به شدید ترین صورت ممکن و دنیای وحشی غرب نه تنها سکوت، بلکه همراهی می کرد؟؟!

نسل کشی در بوسنی نوشت: جنگی در قرن بیستم با شنوهای قرون وسطایی! ای کسی که این مثن را میخوانی تقاضا میکنم ان را برای دوستان خود بفرستی تا این واقعه ها فراموش نشود و نسلهای آینده بداند.

این پیامی است برای فریفتگان فرهنگ غرب که دل بسته و مشتاق رابطه بیشتر با غرب و اروپا هستند است!!!!

بله عزیزان نباید یادمان بروه همین چند وقت پیش بود که داعشیها با فرماندهی آمریکا و انگلیس و حرام زاده های کودک کش رژیم صهیونیستی و پولهای کثیف و هابیبون حجازی و سکوت اروپائیان چه رفتاری با مردم سوریه و عراق و منطقه داشتند . یادمان هست با زنه های شیعه و ایزدی چکار کردند؟!

به زور واردخانه های آنها می شدند مردها را کشته و زنها را مورد تجاوز قرار دادند. به عنوان برده بردند و با قیمت یک حیوان به کشورهای پست عربی برای بهره برداری جنسی فروختند. جلوی چشم مردها به زنهایشان تجاوز و بچه ها را سر بریدند و حتی شکم زنان حامله را پاره کردند و با جسم نوزادهای آنها فوتبال بازی کردند

دقیقا همان کاری که متافقین در تهران کردند و صربها در بوسنی یادمان هست که نوزادها را کباب کردند و گوشت آنها را به خورد مادرشان دادند و چگونه همه خانه ها و مساجد و مراکز تاریخی و فرهنگی را تخریب و نابود کردند!

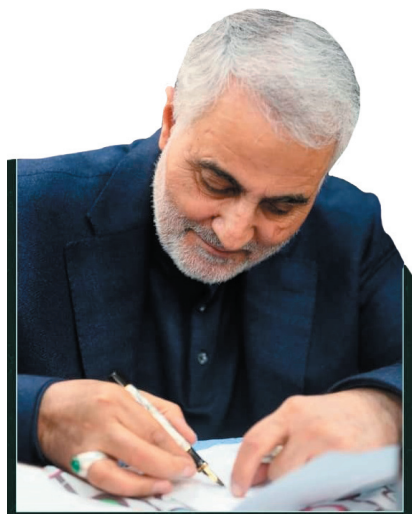
هزاران جنایت که شرم مانع بیان آنهاست. ایا فکر میکنید این اتفاق یکبار در اروپا اتفاق افتاد و تمام... مگر سردار سلیمانی فرمود که مادری را دیدم که داعشی ها کودکش را کباب کردند و در ظرف پلو برایش فرستادند.

مه این جنایت مقدمه ورود به خاک پاک و مقدس جمهوری اسلامی و فتح ایران بود.

اگر وارد کشور ما می شدند چه اتفاقی می افتاد؟!

ان شاه الله

نشانی دفتر شهرکوه: خیابان کاشانی - کوچه ۴۵-پلاک ۶ همراه: ۰۹۱۳۳۸۱۳۳۷۳ شماره: ۲۲۲۲۲۲۱۰۱ تلفن: ۲۲۲۲۰۸۵۲ و ۲۲۲۲۰۸۵۰	ص پ: ۱۹۸ ق/ چاپ و لیتوگرافی: شاخه سبز تلفن: ۰۹۱۹۲۵۲۸۶۶۵	شهرکوه/ لیتوگرافی: ارغوان تلفن: ۳۲۲۴۳۱۹۳ چاپ: جهانبین تلفن: ۳۳۳۸۱۸۶
--	---	--



انتشار نامه تکان دهنده شهید سلیمانی به فرزندش؛ هرگز نمی خواستم نظامی شوم

جلوگیری نماید. من خدا را انتخاب کرده ام و راه او را. اولین بار است که به این جمله اعتراف می کنم؛ هرگز نمی خواستم نظامی شوم، هرگز از مدرج شدن خوشم نمی آمد. من کلمه ی زیبای قاسم را که از دهان پاک آن بسیجی پاسدار شهید برمی خاست بر هیچ منصبی ترجیح نمی دهم. دوست داشتم و دارم قاسم بدون پسوندها پیشوندی باشم. لذا وصیت کردم روی قبرم فقط بنویسید سرباز قاسم، آن هم نه قاسم سلیمانی که کنده گویی است و بار خورجین را سنگین می کند. عزیزم از خدا خواستم همه ی شیران های وجودم را و همه ی مویرگهایم را مملو از عشق به خودم کند. وجودم را لبریز از عشق خودم کند. این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم، تو میدانی من قادر به دیدن بریدن سر مرغی هم نیستم. من اگر سلاح به دست گرفته ام برای ایستادن در مقابل آدمکشان است نه برای آدم کشتن. خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم. نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعی مظلوم که ناقابل آنم، نه... بلکه برای آن طفل وحشت زده بی پناهی که هیچ ملجایی برایش نیست، برای آن زن بیچاره سینه چسبیده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب، که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است می جنگم.

عزیزم من متعلق به آن سپاهی هستم که نمی خوابید و نباید بخوابید. تا دیگران در آرامش بخوابند. بگذار آرامش من فدای آرامش آنان بشود و بخوابند. دختر عزیزم شما در خانه من در امان و با عزت و افتخار زندگی می کنید. چه کنم برای آن دختری بی

حتی یک لحظه شما را نگران کنم، چه برسد به حذف یا گریاندن شما. من دیدم هر کس در این عالم راهی برای خود انتخاب کرده است یکی علم می آموزد و دیگری علم می آموزد. یکی تجارت می کند کسی دیگر زراعت می کند و میلیون ها راه با بهتر است بگویم به عدد هر انسان یک راه وجود دارد و هر کس راهی را برای خود برگزیده است. من دیدم چه راهی را می بایست انتخاب کنم. با خود اندیشیدم و چند موضوع را مرور کردم و از خود پرسیدم اولاً طول این راه چقدر است انتهای آنها کجاست، فرصت من چقدر است. و اساساً مقصد من چیست. دیدم من موقت و همه موقت هستند. چند روزی می ماند و می روند. بعضی ها چند سال برخی ها ده سال اما کمتر کسی به یک صد سال می رسد. اما همه می روند و همه موقتند. دیدم تجارت بکنم عاقبت آن عبارت است از مقداری سکه براق شده و چند خانه و چند ماشین. اما آنها هیچ تأثیری بر سرنوشت من در این مسیر ندارد. فکر کردم برای شما زندگی کنم دیدم برایم خیلی مهم است و ارزشمند است به طوری که اگر به شما درد برسد همه ی وجودم را درد فرا می گیرد. اگر بر شما مشکلی وارد شود من خودم را در میان شعله های آتش می بینم. اگر شما روزی ترکم کنید بند بند وجودم فرو می ریزد. اما دیدم چگونه می توانم حلال این خوف و نگرانی هایم باشم. دیدم من باید به کسی متصل شوم که این مهم مرا علاج کند و او جز خدا نیست. این ارزش و گنجی که شما گل های وجودم هستید با ثروت و قدرت قابل حفظ کردن نیست. و گرنه باید ثروتمندان و قدرتمندان از مردن خود جلوگیری کنند و با ثروت و قدرتشان مانع مرض های صعب العلاجشان شود و از دست رفتن

شهید قاسم سلیمانی در نامه ی خود به فرزندش که برای نخستین بار منتشر شده است از چگونگی انتخاب شغل خود می گوید.
 متن نامه شهید حاج قاسم سلیمانی به فرزندش

«بسم الله الرحمن الرحيم
 آیا این آخرین سفر من است یا تقدیرم چیز دیگری است که هر چه باشد در رضایش راضی ام. در این سفر برای تو می نویسم تا در دلنتکی های بدون من یادگاری برایت باشد. شاید هم حرف به درد بخوری در آن یافتی که به کارت آید. هر بار که سفر را آغاز می کنم احساس می کنم دیگر نمی بینم. بارها در طول مسیر چهره های پسر از محبتان را یکی یکی جلوی چشمانم مجسم کرده ام و بارها قطرات اشکی به یادتان ریخته ام. دلگتگان شدم، به خدا سپردم. اگر چه کمتر فرصت ابراز محبت یافته ام و نتوانستم آن عشق درونی خودم را به شما برسانم. اما عزیزم هرگز دیده ای کسی جلوی آینه خود را ببیند و به چشمان خود بگوید دوستان دارم، کمتر اتفاق می افتد اما چشمانش برایش بارزتر ببیند. شما چشمان منید. چه بر زبان بیاورم و چه نیاورم برایم عزیزید. بیش از بیست سال است که شما را همیشه نگران دارم و خداوند تقدیر کرده این جان پایان نپذیرد و شما همیشه خواب خوف ببیند. دخترم هر چه در این عالم فکر می کنم و کرده ام که بتوانم کار دیگری بکنم تا شما را کمتر نگران کنم، دیدم نمی توانم و این به دلیل علاقه ی من به نظامی گری نبوده و نیست. به دلیل شغل هم نبوده و نخواهد بود. به دلیل اجبار یا اصرار کسی نبوده است و نیست. نه دخترم من هرگز حاضر نیستم به خاطر شغل، مسئولیت، اصرار یا اجبار

یادداشت

«مکتب سلیمانی» از «قاسم سلیمانی» ماندگارتر است



دنیای بداند خون جریان ساز شهدای این سرزمین، مکتبی را پدید آورده اند که تأثیرشان به مراتب بیشتر از اشخاصی است که زنده اند و حماسه می آفرینند.
 این روزها فضای رسانه ای کشور و حتی منطقه به سوی تیره های پیش می رود که حال و هوای شهادت سردار «قاسم سلیمانی» را در ذهن ها و یادها تداعی می کند. شهادتی که پایه گذار یک مکتب جهانی شد. مکتبی که تداوم دوران دفاع مقدس است که رزمندگان مظلومانه و غریبان به جنگ با استعمار رفتند و نامشان را در دفتر تاریخ حماسی این کشور ماندگار کردند.
 دشمنان ایران اسلامی باز هم به خطا رفتند و نشان دادند که هنوز درکی از این انقلاب و مردم ندارند. دشمنی که نفهمید، وجود «مکتب سلیمانی» از خود «قاسم سلیمانی» ماندگارتر و تأثیر گذارتر است. دشمنی که با تأخیر متوجه شد ریشه شخصیت شهید «قاسم سلیمانی» در خاک این کشور جوانه زده و قابل حذف نیست.
 دشمن صد البته نسبت به تاریخ این کشور و این ملت هم بی سواد است؛ و گرنه مروری بر حادثه عاشورا و تداوم ماندگار آن و گذری بر زندگی یلان تاریخ ساز ملی و مذهبی این سرزمین، به وضوح ثابت می کند که عقیده ها ماندگارتر از جسم ها هستند.
 اینک و در آستانه دومین سالگرد شهادت سیدالشهدای مقاومت، سردار «قاسم سلیمانی» هستیم و این در حالی است که نوجوانان زیادی در این مملکت نام «قاسم» بر خود نهاده اند و رسانه های دنیا در حال انتشار کلیدواژه هایی با رنگ و بوی این اسطوره مبارزه با تحجر و استعمارند.
 تنها ۲ سال از شهادت مرد میدان جبهه های مقابلیه با استعمار می گذرد؛ اما یک لحظه از داغ این مرد بزرگ در سینه ها کم نشده است و هشنگ انتقام سخت همچنان در صدر خواسته های مردم آزاداندیش ایران و دنیا در بستر فضای مجازی است.
 دنیا بداند که جسم فرزندان این جغرافیای اهورایی در دل خاک مقدس این سرزمین نه تنها از بین نمی روند؛ بلکه خون جریان سازشان مکتبی می شوند که تأثیرشان به مراتب بیشتر از اشخاصی است که زنده اند و حماسه می آفرینند.
 اینک کارزار «جنگ نرم» است و همه باید در بسترهای فرهنگی، هنری، رسانه ای و فضای مجازی به انتشار حداکثری ابعاد «مکتب حاج قاسم» بپردازند و به تهاجمات پوشالی و سطحی امپراطوری رسانه ای دشمنان این آب و خاک یورش ببرند و به دنیا بفهماند که هم انتقام های سخت دیگری در راه است و هم حاج قاسم هنوز زنده است.

مکتب سلیمانی، مکتب تعلیم و تربیت مردان و زنان بزرگ و انقلابی است

نویسنده: شیوندی؛ فعال سیاسی



مکتب سلیمانی، مکتب تعلیم و تربیت مردان و زنان بزرگ و انقلابی است، امروز همگان باید سیره شهید سلیمانی را از وی زمان خود را الگو قرار دهند.
 ایران، بیشه شیران؛ یا ایران، شیران بیشه.
 اندکی تأمل بدون تفکر کافیست تا دلمان پرواز کند به سمت و سوی یک شیر مرد، یا یک مرد شیر. مردی که مردانگی را معنا کرد. مرام را ارزش بخشید و غیرت را تفسیر کرد. یک مرد با همه بزرگی به وسعت یک جهان. اصلاً قلم برای نوشتنش مضطرب می شدم، می ماند از سیاهی خودش بر کاغذ، عرق شرم بر پیشانی اش جاری می شود چگونه بنویسد از یک مرد به بلندای دماوند، به کشیدگی تیر آرش، به مردانگی پوریای ولی، به آزادی حر بن ریاحی، به عبادت های مکتب زین العابدین علیه السلام، به تربیت مکتب صادقی، به ضمانت مکتب رضوی، ضمانت برای شرف و غیرت ایرانی، به هدایت گری مکتب هادی و به ولایت پذیری مکتب فاطمی و در نیمه شبی شاید کنار یک درب چوبی نه یک جماعت انسان نما با دل های چوبی غم بر دلمان نشانیه.

ها، از ناجوانمردی ها. اصلاً مگر خودتان نگفتین باید به این بلوغ برسیم که دیده نشویم آن کس که باید می بیند، چرا ما و یا جماعت مسئولین یادمان رفته است که خدایی هست که می بیند. جار و جنجال صندلی های پست و ریاست از برای چیست؟!
 یاران یعنی شاید در اهتزاز پرچم حق علیه باطل پیشی بگیرند. نکند اینگونه شود، نکند هم چون حواریون گردند در مکتب قاسم سلیمانی ها نه... چشمانم را به دیدگانم می دوزم، اینجا هنوز بیشه شیران است یا شیران در بیشه!!!
 من به یقین دیدم فرزندان، غیور مردانه خواب را بر چشمان دشمن قسم خورده حرام کرده اند. من به یقین می بینم سردار قانی ها را. به یقین می بینم شیر مردان هسته ای را. به یقین می بینم محسن فخری زاده ها را. اصلاً دیدن همین مردان هست که غم نبودن را برابم سهل می سازد. سرباز وطن؛ آسوده بخواب. اینجا ناخدایی هست که در لحظه، نقشه های شوم دشمن را با سر انگشت اشاره بر آب جاری می سازد. سرباز وطن آسوده بخواب؛ اینجا سربازان امام خامنه ای مد ظله العالی تمام قد ایستاده اند.
 تا خون مردانی هم چون وجود با ارزشت را از دشمنان بازستانند. اینجا هنوز سربازان امام خامنه ای مد ظله العالی ایستاده اند تا پرچم حکومت مهدوی عج را به اهتزاز در بیاورند.
 سرباز وطن دوست داریم.

سردار قاسم سلیمانی، سرباز وطن.
 نمیدانم، اصلاً نمیخواهم شمارش کنم روزهای بی تو بودن در این سرزمین را.
 گفتن از تو دشوار و دل برای بیانش سنگین.
 مردانگی در مرام تو تفسیر شد و خواهد شد و امروز چقدر جای خالی ات دل را غمین می کند. مردمانی را که با عشق به سردار سلیمانی برای ماندگاری این سرزمین هنوز نفس می کشند. نفس در فضایی شاید پر از خاک، پر از امنیت، پر از له کردن انسانهای دیگر برای خود. اینجا ما سردار سلیمانی را دوست می داریم، اما برای بودن در مکتبش شاید تعلل کنیم، اینجا ما هنوز مردمانی داریم که دل در گرو وجود سردار سلیمانی ها دارند، چشمشان به در است تا هم چون ننه صغری در منزلشان کوبیده شود و علی وار تانی بر سر سفره شان گرما ببخشند دلهایشان را.
 اینجا مردمانی هستند که شب ها با آرامش سر بر بالین می گذارند و هم چون زن مسیحی خوشحالند که فرزندان زهرا زنده اند.
 سردار دل ها با تو می گویم. اصلاً می نویسم تا تو بخوانی دلم از مردمانی که جز خود چشمانشان مردمان دیگر را نمی بیند چرکین شده است. از دعوا و جنجال برای دیده شدن. از اصولگرا و اصلاح طلب، از بی عدالتی

سردار سلیمانی هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد هم با شهادتش شکست داد. آنچه در شهادتش اتفاق افتاد اولین سلی سختی بود که به آمریکا زده شد و آن همین حرکت مردمی در تشیع پیکر پاک آن شهید بود.

سردار سلیمانی هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد هم با شهادتش شکست داد. آنچه در شهادتش اتفاق افتاد اولین سلی سختی بود که به آمریکا زده شد و آن همین حرکت مردمی در تشیع پیکر پاک آن شهید بود.